

حجازیه: گزارش حج ابوالاشرف یزدی

(م. ۷۶۲.ق.)

رساله کوچکی است در شرح سفر حج ابوالاشرف یزدی، از سادات سرشناس یزد که در سال ۷۵۷.ق. به حج رفته و این رساله را در گزارش دشواری‌های راه حج و ارائه پیشنهادهایی برای رفع آن‌ها، نگاشته است و در پایان دست خط گروهی از علما را در تایید سخنان خود، جمع‌آوری کرده است.

نام کامل نویسنده، ابوالاشرف محمد بن حسین بن علی حسینی یزدی است؛ چنان‌که از محتوای این رساله می‌توان دریافت، وی از بزرگان و رؤسای شهر یزد و از نزدیکان به سلاطین آل جلاپیر بوده که بین ۷۴۰ تا ۸۳۵.ق. در عراق و آذربایجان حکومت داشتند. دایی ابوالاشرف، سید عضدالدین، سفیر دربار جلاپریان در هندوستان بوده و مدتی وزارت شیخ حسن جلاپیری (حک: ۷۴۰-۷۵۷.ق.)، را برعهده داشته است.^۱ (ص ۳۲) خود او نیز وقتی در سفر خود به حج، به عراق رسید، به خدمت شیخ اویس جلاپیری (۷۵۷-۷۷۶.ق.) که بعد از مرگ پدرش، شیخ حسن، به تازگی به پادشاهی رسیده بود، رفت و با او دیدار کرد. (ص ۳۲) افزون بر پسوند حسینی، در نام

او، تعبیر یکی از نویسندگان یادداشت‌های پایان رساله در حق ابوالاشرف که او را از اولاد پیامبر ﷺ دانسته، نشانگر تعلق او به یکی از خاندان‌های سادات یزد است.^۲ (ص ۴۴)

رساله حجازیه، از قدیمی‌ترین سفرنامه‌های حج به نثر فارسی است که آگاهی‌هایی درباره حج‌گزاری ایرانیان در قرن هشتم و وضع عمومی راه‌های حج و حجاز، به دست می‌دهد؛ هرچند نویسنده، این رساله را با هدف ارائه گزارشی درباره وضع راه‌های حج برای سلطان نگاشته و جز در موارد اندک، به گزارش رویدادها و شرح راه و رسم سفر پرداخته است. نثر رساله متکلف و در جاهایی مسجع است و اشارات متعدد به آیات و روایات و ذکر اشعار و کاربرد فراوان واژگان عربی، از ویژگی‌های آن است.

ابوالاشرف یزدی، سفر خود را در سال ۷۵۷.ق. از یزد آغاز کرد. او که از ثروتمندان و رؤسای شهر بود، دستور داد تا در مسجد جامع شهر یزد، ندا دهند که هر کس مایل به سفر حج است، برای سفر با او آماده شود تا به گفته خودش، به واسطه این اعلام عمومی، به بهانه مشغله‌های گوناگون، از سفر حج کوتاهی نکند. (ص ۳۰-۳۱)

۱. محیط ادب، ص ۴۴۲-۴۴۳.

۲. محیط ادب، ص ۴۴۳.

سفر نویسنده مقارن است با سال‌های بعد از فروپاشی قدرت ایلخانان (حک: ۶۵۴-۷۵۴ق.). و عدم ثبات سیاسی در ایران و سایر سرزمین‌های شرق اسلامی. در این سال‌ها، در نقاط مختلف ایران، حکومت‌های محلی قدرت داشتند. در چنین شرایطی قبایل راهزن در راه‌ها قدرت می‌یافتند. در سال سفر نویسنده، وفات شیخ حسن بزرگ، اولین حاکم جلایریان نیز، به ناامنی‌ها دامن می‌زد و شایعات فراوانی از خرابی و ناامنی راه حج بر زبان‌ها بود. (ص ۳۱) وجود چنین شایعاتی باعث شد نویسنده، برای تصمیم به سفر حج، نماز استخاره بگذارد و به قرآن تفأل زند. با آمدن آیه ۲۶ و ۲۷ سوره حج که خداوند در آن به ابراهیم پیامبر علیه السلام دستور ساختن کعبه و اعلام فرمان حج را داده، ابوالاشرف به انجام سفر حج مصمم شد. (همان)

ایرانیان، در آن دوران، برای رفتن به حج ابتدا به عراق می‌رفتند و همراه کاروان عراق راهی حجاز می‌شدند. به گزارش ابوالاشرف، راه سفر ایرانیان به بغداد، از کهکیلویه و شوشتر می‌گذشته است. وی با گذر از این شهر به بغداد رفته و از آن جا، همراه با کاروان حج عراقی، به حج رفته است. (ص ۳۱-۳۳) بر اساس گزارشی که در یکی از یادداشت‌های پایان رساله آمده، حتی حجاج شهرهای

شمالی، مانند آمل، برای رفتن به عراق، به شوشتر آمده بودند. (ص ۴۳) در آن سال، کاروان گروهی از حاجیان، در نزدیکی شوشتر، دچار حمله راهزنان شده بود و کاروانیان آهنگ بازگشت داشتند؛ اما با رسیدن ابوالاشرف به شوشتر و با تشویق او، به راه خود ادامه دادند و بی هیچ مشکلی به بغداد رسیدند. (ص ۳۲) در آن سال، کاروان حج عراق، با حمایت سلطان اویس (حک: ۷۵۷-۷۷۶ق.) و همراه با جمعی از بزرگان دینی و حکومتی، از عراق عازم حجاز شد. کاروانیان، بدون دردسر به حجاز رسیدند و با وجود خشکسالی، آب چاه‌ها برای کل کاروان که به گفته نویسنده پرتعداد بودند، کافی بود. ابوالاشرف، بعد از انجام مناسک حج، همراه با کاروان به زیارت مدینه رفت. (ص ۳۳-۳۴)

بررسی منابع آب، در طول راه حج، مهم‌ترین مسئله مورد توجه ابوالاشرف است؛ چنان‌که خود می‌گوید، در طول راه از نجف تا مکه و سپس تا مدینه، چشمه‌های دور و نزدیک و چاه‌ها را بررسی کرده است. (ص ۳۵) به گفته وی، در بسیاری از منازل سفر حج، چاه‌ها و کاریزها (قنات‌ها) به دلیل عدم رسیدگی خشک شده بودند و کاروانیان، برای رسیدن به آب، به مشکل افتاده و دوباره به حفر چاه پرداخته‌اند. این درحالی بود که به نظر

نویسنده، برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، حجاز و راه حج، منابع آب زیرزمینی خوب و استعداد سبزی و خرمی داشته است و در طول راه، در بیشتر منازل، با حفر چند گز، می‌شد به آب شیرین فراوان رسید. ابوالاشرف، وجود برخی از آبادی‌های راه حجاز، مانند نخله محمود و وادی صفرا را که سرسبز و خرم بوده و انواع میوه‌ها در آن کشت می‌شد، دلیلی بر استعداد طبیعی منطقه حجاز دانسته و راه بهره بردن از منابع آب منطقه را حفر کاری‌ها و انتقال آب معرفی کرده بود. (ص ۳۶-۳۷)

اشتغال قبایل عرب بدوی به راهزنی و غارت کاروان‌های حاجیان، دومین مشکلی است که تنها در صورت یکجانشینی این قبایل رفع می‌شود. نویسنده، از دیدارها و مذاکراتش با رئیسان قبایل عرب و اشراف مکه، برای منع اعراب از حمله به حاجیان خبر داده است. او در این دیدارها حمله به حاجیانی را که از راه‌های دور به شوق دیدار کعبه به حجاز می‌آمدند، دور از انصاف دانسته و آنان را به ترک این عمل نصیحت کرده است. اعراب با ذکر این که پیش از وی، کسی چنین سخنانی به آنان نگفته، از کارهای خود ابراز پشیمانی کرده و گفته‌اند: در صورتی که شاهان در آبادانی راه حج اقدام کنند و چاه‌ها حفر کنند و آب جاری کنند، ما نیز به عمارت و زراعت

و اقامت در آن خواهیم پرداخت و به آبادانی راه‌ها کمک خواهیم کرد. (ص ۳۸-۳۹)

مسئله دیگر مورد اعتراض نویسنده، آلودگی مکه و مدینه و رعایت نکردن نظافت توسط حاجیان و عرب‌ها در این اماکن مقدس است. او در مکه، از این‌که حاجیان در مسجدالحرام می‌خوابند یا این‌که گروهی از «اراذل»، اطراف حرم را با آوردن احشام خود، به اصطبل‌ها شبیه کرده‌اند و در مدینه، از این‌که همه افراد بدون رعایت ادب، برای بوسیدن قبر پیامبر ﷺ بر سر قبر می‌آمدند و به بوسیدن در گاه و آستانه حجره پیامبر ﷺ اکتفا نمی‌کردند، برآشفته است. ابوالاشرف، در مذاکرات خود با رؤسای حجاز، ضمن اشاره بر لزوم پاکیزه کردن حرمین و رفع نجاسات از اطراف مسجدالحرام و مسجد نبوی و چاه‌ها و کاریزهای شهر، بر آباد کردن بخش‌هایی از داخل مسجد نبوی و کمک گرفتن از سلاطین، برای انجام این کارها، تأکید کرده است. (ص ۳۶-۳۷)

ابوالاشرف، در آخرین بند از رساله، خطاب به پادشاه (سلطان اویس) لزوم اقدام در جهت آبادانی راه حج را گوشزد کرده و شاه را نصیحت کرده تا خود شخصاً بازسازی چند منزل از منازل را نذر کند و با این کار نام خود را نیز نیک گرداند. او همچنین پیشنهاد کرده، برای این کار، سفرایی نزد پادشاهان مصر - که در آن

زمان ممالیک (حک: ۶۴۸-۹۲۲ق.) بودند- فرستاده شود و لزوم آبادانی راه حج، به آنان تذکر داده شود که یا خود آنان که حاکمان حجاز هستند، به این کار اقدام کنند یا اجازه آن را به پادشاهان جلایری بدهند. (ص ۳۹-۴۰)

در پایان رساله، یادداشت‌های کوتاهی از برخی علما و سرشناسان که ظاهراً همسفر نویسنده بوده‌اند، در تأیید مطالب رساله و لزوم اقدام به اصلاح مشکلات، آمده است. افرادی مانند اسحاق بن عبداللطیف بن اسماعیل قصری، میمون شاه بن ابراهیم بن رشید و فضل الله بن عبدالمؤمن بن ابراهیم بن رشید که نوادگان خواجه رشیدالدین فضل الله بودند، محمد بن یوسف، معروف به شمس الائمه کرمانی، خواجه مرجان آغا که مدتی حاکم بغداد و از بزرگان دولت جلایری بود^۱ و محمد بن جنید سکندرانی، یادداشت‌هایی نوشته‌اند و در رساله‌های خود، خلاصه‌ای از سخنان ابوالاشرف را درباره بازسازی منابع آب راه‌ها تکرار کرده‌اند و بر صحت سخنان ابوالاشرف گواهی داده‌اند و اصلاح مشکلات را بر سلاطین واجب دانسته‌اند. یکی از این دست‌خط‌ها از خود شاه اويس جلایری است که در آن، وعده رفع کاستی‌ها را داده و چنین

نگاشته است: «چون کار خیر است، ان شاء الله ما به اتمام رسانیم». (ص ۴۱-۴۴)

در پایان نسخه چاپی موجود از رساله، مطلب ناتمامی با عنوان «ذکر منازل مبارک از مشهد امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب» آمده که ظاهراً تفصیل منازل حج و بیان تعداد چاه‌ها و سایر منابع آب هر منزل بوده است که جز چند خطی از آن باقی نمانده است. نویسنده، در میانه رساله، به آنچه درباره گزارش راه‌ها و منازل سفر حج و منابع آب آن «بر ظهر نوشته» خواهد آمد، اشاره کرده است که آنچه از آن باقی مانده، تنها شرح منابع آب ابتدای راه و منازل قادسیه و عذیب و رجه را دربردارد. (ص ۴۵)

از رساله حجازیه تنها یک نسخه باقی مانده که همراه با نسخه خطی کتاب *نهاية المسئول فی درایة الرسول* صحافی شده و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. بخشی از این رساله در انتهای *نهاية المسئول* و بخش دیگر آن، در میانه این کتاب، صحافی شده است.^۲ بخش نخست رساله که شامل سه برگ ابتدایی رساله است، ابتدا با تصحیح ایرج افشار در مجموعه مقالات یادنامه «محیط ادب»، از صفحه ۴۴۲-۴۵۱ در سال ۱۳۵۷ش. به چاپ

۱. تاریخ حبیب السیر، ج ۳، ص ۲۴۰.

۲. مجموعه رسائل خطی فارسی، ج ۱، ص ۲۸.

رسید. محمد جعفر یاحقی که چند سال بعد به تصحیح نهاییه المسئول پرداخت. باقی این رساله را در صفحات میانی آن کتاب یافت و تصحیح مجدد و کامل تری از آن را در صفحات ۳۰ تا ۴۵ دفتر اول مجموعه رسائل خطی فارسی، که در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات آستان قدس رضوی منتشر شده، به چاپ رساند.

◀ منابع

تاریخ حبیب السیر: غیاث‌الدین خواند میر (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام، ۱۳۶۲ش؛ مجموعه رسائل خطی فارسی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش؛ محیط ادب: محمد محیط طباطبایی، به کوشش یغمایی و دیگران، تهران، مجله یغما، ۱۳۵۷ش.

کامران محمد حسینی



حج اصغر ← عمره مفرده

حج افراد: یکی از انواع سه‌گانه حج

معنای لغوی واژه افراد، از ریشه «ف ر د» جدا کردن و تکک قرار دادن است.^۱ «حج افراد»، در اصطلاح فقها، یکی از انواع

۱. العین، ج ۸، ص ۲۴؛ الصحاح، ج ۲، ص ۵۱۸؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۰، «فرد».

حج است که در آن، عمره جدای از حج و پس از آن انجام می‌گیرد.^۲ در برخی منابع فقهی، از حج افراد به «حج مبتوله» تعبیر شده است،^۳ از آن رو که در این نوع حج، میان حج و عمره، فاصله و جدایی است.^۴

حج افراد، در دیدگاه مذاهب اسلامی، جایگاه و اهمیتی ویژه دارد؛ به گونه‌ای که به نظر مشهور امامیان^۵ و حنفیان^۶ یک بار به جا آوردن آن به عنوان حجة الاسلام^۷ بر ساکنان اهل مکه و اطراف آن تا فاصله‌ای معین واجب است و حج تمتع برای آنان مجزی نیست. (حکم حج افراد^۸) شافعیان^۹ و مالکیان^{۱۰} بدین استناد که حج پیامبر اکرم ﷺ در سال دهم هجرت، (حجة الوداع) از نوع حج افراد بوده، آن را با فضیلت‌ترین نوع حج می‌دانند. البته از دیدگاه شافعیان، شرط افضل بودن افراد این

۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۷؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۲۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۷۱.

۳. الکافی، حلبی، ص ۱۶۱؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۱۶.

۴. السرائر، ج ۱، ص ۶۱۸.

۵. الکافی، حلبی، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ غنیة النزوع، ص ۱۵۱-۱۵۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۹؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۶۳۲.

۷. الأم، ج ۷، ص ۲۲۶؛ مختصر المزنی، ص ۶۳؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۸. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۶۸؛ الشرح الکبیر، ابوالبرکات، ج ۲، ص ۲۷-۲۸.